

# مسأله تناقض آمیز کتاب

نوشته جیمز کری  
ترجمه پوری سلطانی

اهمیت تاریخی چاپ مدت مدیدی است که مورد تأیید قرار گرفته و از آنجا که برحسب سنت جایی بین باروت و قطب نم دارد، به منزله فرآورده‌ای مصنوعی آغاز عصر جدید را مشخص می‌کند، با این همه تا این اواخر، اهمیت کتاب و چاپ گرچه قبلاً عام داشت، ولی مورد تحقیق قرار نگرفته بود. ممکن است در این گفته راه اغراق پیموده باشم، زیرا که تحقیق در وضع کتاب حتی در دوران رنسانس نیز، گرچه در حاشیه، وجود داشته و در تمام قرن نوزدهم نیز ادامه یافت. اما فقط در بیست سال اخیر، تاریخ کلی چاپ، بخصوص کتاب و سواد، به منزله رشته مشخصی از علم و اوار علوم انسانی شد. رابرت دارنتون (Robert Darnton) معتقد است که گسترش این رشته در سالهای اخیر آن چنان سریعی صورت گرفته است که «بعید نیست به زودی جایی هم‌ردیف رشته‌هایی نظیر تاریخ علوم و تاریخ هنر، در طیف موضوعهای اساسی علوم بشری برای خود احراز کند.»<sup>۱</sup>

به آسانی می‌توان به ظهور این دانش پی برد. کتاب جای سواد سنتی را که رابط اصلی و مرکز کلیه معاملات اساسی زندگی اجتماعی بود، اشغال کرده است. توجه به کتاب به منزله يك وسیله ارتباطی، کلاً در نتیجه آشوبی که الکترونیک و بخصوص تلویزیون در میان جماعت باسواد به پا کرد، به وجود آمد الکترونیک که دامنه آن از تلگراف تا نظامهای ارتباطی کامپیوتری توسعه می‌یابد، البته يك اقدام عظیم صنعتی که از دانستیهای باستانی نشأت گرفته باشد نیست. الکترونیک اولین تکنولوژی مبتنی بر علم و منتج از علم است. این پدیده بدون عادت تفکر تحقیق و سازمان اجتماعی که همگی مولود ماشینهای چاپ است به تصور در نمی‌گنجد. با این همه، فرآورده مشترک الکترونیک، شیمی، بخصوص تولید و انتقال تصویر، عادات و کردار جدیدی را به وجود آورد که به نوبه خود نه تنها سواد را تحت تأثیر سو-

اندیشه کتاب که همیشه یادآور يك کلیت طبیعی است، عمیقاً با مفهوم نوشتن مغایر است... اگر نوشته را از کتاب متمایز کنیم، آن گاه خواهیم دید که انهدام کتاب، که امروز مظاهر آن در تمام زمینه‌ها مشهود است، چهره نوشته را عریان می‌کند.

ژاک دریدا

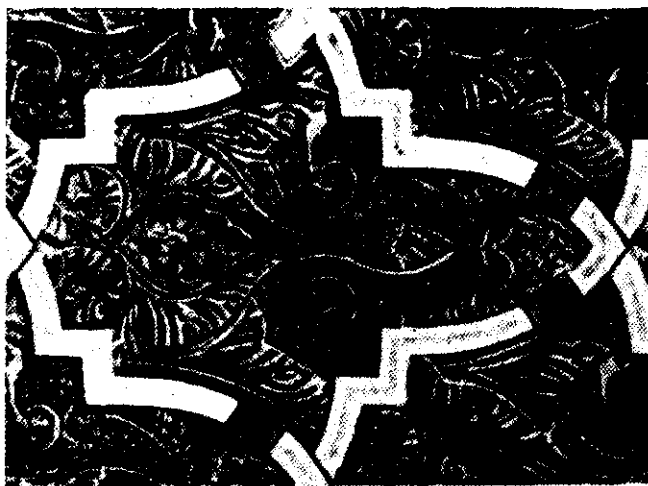
اولین آموزگار فلسفه ما، دستهای ما، پاهای ما و چشمهای ماست. جانشین کردن کتاب به جای همه آنها، به ما عقل عطا نمی‌کند، بلکه می‌آموزد چگونه عقل دیگران را به کار گیریم. به ما می‌آموزد که اعتقاد بسیار بیابیم ولی هرگز چیزی را ندانیم.

ژان ژاک روسو

وقتی به استفاده اولیه نوشتن توجه کنیم، به روشنی درمی‌یابیم که پیوندی قوی با قدرت داشته است. نوشتن برای صورت برداری از موجودی انبازها، سیاهه‌ها، سرشماریها و دستورالعملها به کار گرفته شد؛ در تمام موارد، خواه هدف کنترل مایسک باشد یا انسانها، دال بر تحمیل قدرت به وسیله گروهی از افراد بر گروهی دیگر، و بر مال دنیاست.

لوی استروس

این روزها بازار تناقض گرم است و یکی از همین تناقضها، که بی شک جزئی ترین آنهاست، انبوه تفحصات مربوط به نقش کتاب در تاریخ و اجتماع و فزونی تحقیق در مورد ماهیت سواد است. و حال آنکه اکنون سواد در همه جا روبه زوال می‌رود و به منزله تبخیری روشنفکرانه کاملاً در حاشیه قرار گرفته است. و کتاب، حداقل آن طور که ما آن را می‌شناسیم، از اهمیت چندانی برخوردار نیست و در زندگی دسته‌جمعی ما جز يك فرآورده مصنوعی میرا به حساب نمی‌آید. مهمتر آنکه تحقیق در وضع کتاب بخودی خود نوعی طغیان است، طغیان علیه کتاب، علیه کتاب دوستی، علیه سواد، علیه کتابت و علیه اندیشه تمدنی که بر پایه سواد و کتاب بنا شده است. توجیه این امر چیست؟



است. از این پس دیگر هرگز نمی‌توانیم در مورد کتاب و چاپ با آن آزادمنشی بی‌گناهانۀ اسلاف خود به تحقیق بپردازیم. تاریخ سنتی کتاب را می‌توان، گرچه به صورت تمسخرآمیز، این‌گونه بازگو کرد: اختراع کتاب و حروف متحرک که باعث تکثیر دستنوشته به مقیاس وسیع شد، حادثه‌ای بس برجسته در پیدایش عصر جدید به شمار می‌رود. با اختراع گوتنبرگ، قرون وسطی پایان می‌گیرد و عصر جدید آغاز می‌شود، و بدین ترتیب کتاب، با قدرت مطلق خود تقسیم‌بزرگی در تاریخ غرب به وجود آورد. کتاب نه تنها مبین دوره مشخصی در تاریخ پیشرفت است، بلکه لحظه‌ای است که پیشرفت از آنجا آغاز و با آن سنجیده می‌شود. به همین قیاس، گسترش هنر ناشی از کتاب-یعنی سواد به مفهوم بسیار ابتدایی آن-در هر کجا که راه یافته مقطعی تاریخی را به وجود آورده است. همیشه و همه جا، سواد بشر اولیه را از انسان جدید، هنرمند را از بی‌هنر، و وحشی و سرکش را از اهلی و فرمانبردار متمایز می‌کند. این یک تمایز اجتماعی است که رنگ روشنفکرانه به خود گرفته است-لحظه‌ای که آداب زندگی نوین به وسیله تفکر نوین و تکنولوژی هوشمند نوین پایه‌ریزی می‌شود. به راستی که کتاب استعاری‌ترین جدایی‌ها را عرضه کرده است، جدایی طبیعت از فرهنگ. سخن گفتن بخشی از موارث زیستی انسان است و نوشتن و چاپ کردن بخشی از دست‌آوردهای فرهنگی.

در تفکر نوین، برابری کتاب و سواد بار شد و پیشرفت، فرضی مسلم گرفته شده است. «تفسیر آزادمنشانه تاریخ» از تمامی نیروهایی که باعث جلوگیری یا نارسایی گسترش چاپ شدند به منزله عقب افتادگی فرهنگی یا بدتر از آن، نیروهای تاریخی یاد می‌کند. کتاب به منزله شاخصی در تاریخ ارتباطات، نه تنها حد فاصلی در تاریخ تفکر و جامعه به وجود می‌آورد بلکه مرز مشخصی

ار داد، بلکه اساساً ذهن آدمی را نسبت به آن مشکوک کرد. از ف دیگر، انواع جدید سواد، مثل سواد دیداری و سواد هیوتری، موقعیت ممتاز و با شکوه سواد چاپی و حق بی‌ن‌وچرای آن را برای احراز شخصیت اجتماعی، تنزل داد. نقاد بر این امر که سواد چاپی تنها یکی از انواع متنوع سواد است، اکنون به طور روزافزونی گسترش می‌یابد. سواد چاپی زری جز يك دسته از مهارت‌های روشنفکرانه در میان امکانات بیار دیگر نیست. و مسلماً هیچ خصیصه بارزی آن را در مرتبه‌ای بالاتر از بقیه قرار نمی‌دهد. جانشین شدن تلویزیون و دیگر تدابیر کترونیکی به جای ماشینهای چاپ، توجه دانشمندان را به هوم قراردادی سواد چاپی جلب کرد و نقش کتاب را در تاریخ اصر مورد سؤال و تردید قرار داد. این مطلب بخصوص در آثار ارشال مک‌لوهان «محسوس است. زیرا او آن گاه که دریافت نشجویانش دیگر در دنیای متون چاپی بسر نمی‌برند، بلکه در زمینی جدید، در دهکده الکترونیکی مأمن گزیده‌اند، بناچار نهکشان گوتنبرگ» را مورد تدقیق و مطالعه مجدد قرار داد. استدلال او از جهتی با عقاید من تطبیق می‌کند: درست است که اب به نقش حیاتی خود در زندگی ما ادامه می‌دهد، و درست است که سواد همواره مهارتی ضروری و غیر قابل اجتناب باقی راهد ماند، اما مرکز اصلی مجموعه معاملاتی که ما از طریق آنها امور سیاسی، فرهنگی، کار و زندگی اجتماعی شرکت می‌کنیم، گر از طریق کتاب، متون چاپی یا سواد نخواهد بود، بلکه جمعی تدابیر دیگر، بخصوص تلویزیون و ویدئو، و از همه مهمتر مپیوتر جانشین آن خواهد شد. عبارتهایی از قبیل سواد دیداری سواد کامپیوتری، بدون شك توهمات است به عاریت گرفته از می احترام آمیز، به منظور اعطای افتخار به چیزی که نه شناخته ده و نه قابل فهم است. ولی این عبارتها آدمی را به سازماندهی دیدی در سلسله مراتب مهارتها و تجدیدنظر در ارزشگذاری و نعت فرآورده‌های صنعتی وا می‌دارد.

بررسی ما در مورد کتاب و سواد، از جهتی شبیه داستان «جغد برون» [Minerva، الهه خرد که در یونان و روم باستان جغد را نظر آن می‌دانستند] است. درست موقعی که ما نیروی خود را وی پدیده‌ای متمرکز می‌کنیم او می‌پرد، و اینک ما در آستانه از ست دادن کتابیم. این تحقیق و تتبع در عین حال هم یاد و دریغ ست و هم یافتن تکیه گاهی برای تحمل دنیایی که به نظر می‌رسد بر پاهایمان می‌لغزد.

به هر حال تحقیق در مورد کتاب را نباید تنها عکس العمل این دست رفتگی و اقرار به ناآگاهی خودمان از مهارت و اهمیت این بیده صنعتی که زندگی ما را تحت تأثیر قرار داده است، بدانیم؛ بن امر در واقع معنی اصلی شیء مورد مطالعه را نیز تغییر داده

بیان مقصودی کاملاً غیرنظامی است. کتاب اکنون از جای دین تاریخی خود اخراج گشته و جنبه قراردادی آن - ماهیت متا بودگی آن - بر ملا شده است. امروز آن را تنها یکی دیگر شکل‌های ثبت و ضبط می‌شمارند، شکلی در میان بسیاری اشکال دیگر به همان گونه که سواد چاپی نیز دقیقاً جز یکی دیگر مهارت‌های فکری در میان انواع دیگری که قبل از آن آمده و بعد آن می‌آیند، نیست.

تأثیر انفجار تحقیقات درباره کتاب و اجتماع همه جا مشا است، حتی اگر محققان هدف مشترکی نداشته باشند. طغیان علم کتاب، علیه کتاب دوستی و علیه انسان ادبی همه جا مشهود است. اولین بار نیست که به چنین طغیانی برمی‌خوریم و «دریدا» اولین طغیانگر نیست، چنانکه قبل از او، گفته «روسو» نمایانگر همان مضمون است. حتی در آمریکا هم این اولین طغیان علم کتاب دوستان نیست. همان طور که تحقیقات «نیل هریس» وضوح نشان داده است، بسیاری از جنبش‌های اواخر قرن نوزدهم که منجر به خلق مؤسساتی از قبیل باغ وحشها، باغهای طبیعی باغهای گیاهشناسی، و نیز تشکیل نهضت‌های اجتماعی از قبیل پیشاهنگی و تعلیم و تربیت عملی شد، اقداماتی بود که به منظور بازگرداندن آدمی از دنیای خشک کتاب و سواد به سوی طبیعت، وقوع پیوست. با این همه، طغیان دوران معاصر علیه کتاب، نظرگاه دیگری دارد. آنچه «لوی استروس» درباره نوشته می‌گوید، دامنه‌اش به چاپ کشیده شده است. کتاب و ماشینها چاپ نه تنها به عنوان عوامل تحول، بلکه به طور فزاینده‌ای نقش عاملان قدرت حرکت می‌کنند. معادله‌ای که کتاب و سواد با عقل و پیشرفت پیوند می‌داد، در واقع بخشی از ایدئولوژی پیچیده‌ای است که بر تکنولوژی چاپ، تنها به این دلیل که خدمت کنترل کنندگان آن است، صحنه می‌گذارد، طغیان علم کتاب تمامی شیوه‌های زندگی را که از کتاب و ایدئولوژی حامی آن نشأت می‌گیرد، هدف قرار می‌دهد.

تمامی نتایج حاصل از تحقیقات تازه درباره کتاب، مسدود مبتنی خواهد بود بر تجدیدنظر در نقشی که کتاب در تمدن غرب ایفا کرده است. این بررسی مجدد، کتاب را از مقرر پیشین خود، فرهنگ غرب بیرون می‌آورد و لکه‌دار می‌سازد، و سرانجام آن در بخش متناقض تر و بی رونق تری از تاریخ ما سوق خواهد داد. این تحقیق همچنین کتاب را در اندیشه ما به شیء مهم تر تبدیل خواهد کرد. کتاب که زمانی فرآورده صنعتی‌ای آن چنان محکم و استوار، واقعیت و حضوری آن چنان غیرقابل بحث پدیده‌ای آن چنان ضروری و محرم بود، اکنون به چیزی بی شکوه که به سختی قابل بازیابی است تبدیل شده است. اعتبار کتاب زمانی آن قدر روشن و بی شبهه بود، اکنون بیشتر در تناقض و

را نیز در تاریخ آزادی پایه می‌گذارد. تابوده و هست، کتاب علایم جهالت را از روشنگری سالم زدوده است. کتاب انحصار دانش را که در اختیار دربار و کلیسا بود، درهم شکست و با افزایش غیر قابل پیش بینی آزادی فردی را نوید داد. مهمتر از همه آنکه کتاب و مطبوعات چاپی پیدایش شکل نوینی از زندگی اجتماعی را موجب شد، و جامعه‌ای هوشمند، منتقد و پرسشگر را به جهان عرضه کرد. تاریخ کتاب همه جا با نظریه خاصی از تاریخ سیاسی مرتبط است. بدین معنی که کتاب همواره کمک کرده است تا انسان به شکلی از زندگی سیاسی که هم عاقلانه‌تر و هم دموکراتیک‌تر باشد نایل آید. خواندن نه تنها فعالیتی آزاد محسوب می‌شود، بلکه چکیده آزادی را تقطیر می‌کند.

در این تعریف سنتی، منظور از کتاب، طیف گسترده‌ی موادی که به وسیله ماشینهای چاپ تولید می‌شود، از قبیل داستانهای چند پولی و هرزه‌نگاریهای کم ارزش، رساله‌های دینی و مقالات علمی، داستانهای عاشقانه تاریخی و حکایت‌های رمانتیک، مجموعه مقاله‌ها و خاطرات پراکنده، بحث‌های فلسفی و تراوشات غیر فلسفی نیست، بلکه منظور یک پدیده صنعتی انتزاعی است، مجلدی در قالب یک نماد (Symbol).

کتاب، در این تعریف، المثنای ریزنقش انسان است، نظام اجتماعی است به خط ریز که مجموعه خاصی از مهارتها و آرمانها به اختصار در آن گنجانده شده است. کتاب یک فرآورده کارخانه‌ای نیست، بلکه یک ضابطه و یک معیار کلی است: برگزیده‌ای از والاترین سنتها که از اندیشه به نوشته در آمده است. مهارتها و ارزشهای خاص دیگری نیز در کتاب نهفته است، از جمله سواد کهنانت، توانایی نوشتن، تعبیر و تفسیر عمیق نوشته‌ها؛ انسان ادبی، شخصیت‌های اجتماعی خاصی که در شرافت و درستی شان خللی نیست؛ و شیوه خاصی از زندگی که در آن با کتاب زیستن منجر به شیوه والاتری از رفتار و احساس می‌شود، شیوه‌ای که به معنی خوب آن، بورژوازی نام دارد.

میل ندارم این تعاریف زیبارا با سخنی ناخوش آیند خدشه‌دار کنم. با وجود این اگر بتوان گفته‌های معماگونه‌ای از این قبیل را قبول کرد، من نظر «ژاک دریدا» را می‌پذیرم که می‌گوید: کتاب در حال انهدام است. گرچه این استفاده از استعاره‌ای نظامی برای

اد، نامطمئن و معشوش و مسلماً در تردید محض است. همان  
ر که گفتیم، پیوند کتاب بار شد، اعم از رشد اخلاقی، اجتماعی و  
صادی، آن چنان در مغز ماریشه دوانده و با فرهنگمان یکی شده  
که نتوانستیم به موازات جنبه‌های مفید و روشنگر کتاب،  
به‌های زیان‌آور و جهالت‌آفرین آن را نیز ببینیم، و نقش  
کانه آن را به منزله مهارکننده اجتماع در کنار ماهیت آزادی  
شی که نوید می‌داد، درک کنیم.<sup>۴</sup> این کتاب و سواد نیست که  
بدم می‌شود، این کتاب و سواد است: تصویری مترکم شده در  
فرآورده صنعتی که تحت تأثیر تکنولوژی و تاریخ در حال  
به‌جا شدن است.

البته من راه اغراق پیموده‌ام. بنا بر یک ضرب‌المثل قدیمی «از  
ت چایچه‌ها آسوده نمی‌توان ماند» و اکنون باید گفت چایچه‌ها  
گذارند از دست چاپ در امان بمانیم. دامنه تحقیق در مورد  
ب هنوز به یک نتیجه قطعی نرسیده است: تنها همه چیز را در  
به شک و تردید قرار داده، همه قضایای مسلم را در وادی مشاجره  
آورده، و همه عقاید قبلی ما را مخدوش نشان داده است، بدون  
که اعتقاد جدیدی را جانشین آن کند. گسترش تحقیقات با  
نه زمینه‌های جدید، موضوع را به مراتب پیچیده‌تر کرده است.  
پی آمد حیرت‌انگیز این تحقیق قرار دادن کتاب است در مرکز  
العات معاصر - یعنی طلب کردن قدرت و اعمال آن.

تحقیق در مورد کتاب خود بخشی از روحیه غیر منضبط در امر  
دقیق است، کوششی است برای انهدام مفهوم اصلی ضابطه  
یاد و روشنفکری. این روحیه خود دارای دو روی است. در  
حله اول نشان می‌دهد که جای دادن حرمت‌انگیز کتاب در جامه  
یارهای مقبول خود بخود و از روی اصول انتخاب طبیعی  
ورت نگرفته است و بنا بر اصل بقای آنسب هم نیست. بلکه  
عکس در نتیجه یک سنت متغیر و مخیر به وقوع پیوسته است.  
نت همه جا با قدرت و امتیاز برخی از طبقات مردم همراه است تا  
هان را از طریق کتاب طبق سلیقه خودشان معرفی کنند. و اینجا  
ظور از «سلیقه» به معنی عام کلمه است: سلیقه اقتصادی، سلیقه  
تلاقی، سلیقه زیبایی‌شناسی و سلیقه روشنفکری. بنابراین  
نیار نوشته هرگز ثابت نمی‌ماند، بلکه برعکس به حسب صحنه  
هان معاصر در تغییر است. «بهترین تفکر و نوشته» مجموعه  
غیری است که با جذر و مد سلیقه‌ها، پیشداوریها، نیازها و  
واسته‌های گروه‌های قدرتمند اجتماع در نوسان است.<sup>۵</sup> به طور  
لاصه، کتاب از یک طرف ناچار دارای کیفیتی دلخواه است که  
هر زمان «کتاب» را تشکیل می‌دهد، و از طرف دیگر کشمکشی  
یم برای اعطای وضعیت قانونی به کتاب در جریان است.  
شمکشی که بیانگر مقاصد و قدرت گروه‌های اجتماعی است.  
تحقیق در مورد کتاب نیز فرآیند همین کشمکش است.

کتابهایی که امروز مورد تحقیقات جدی قرار می‌گیرند، از پیش‌یا  
افتاده‌ترین اند: سبک، عامه‌پسند، پر سر و صدا ولی میرا. بیشتر  
این تحقیقات برای روشن کردن تجارب ادبی خواننده معمولی به  
کار می‌افتد. چنانکه بیشتر بورسهای تحقیقاتی، بخصوص در  
رشته تاریخ اجتماعی / اقتصادی، در این راه مصرف می‌شود.  
زیرا که بورس باید صورتی مردمی و «دموکراتیزه» داشته باشد.  
هدف همه آنها پرداختن به زندگیهای عادی مردان و زنان عادی  
است. پرداختن به تجربه کسانی که در تاریخ ابنای بشر اثری از  
خود به یادگار نگذاشته و تجارب آنها به طور سیستماتیک در هیچ  
مدرکی ثبت نشده است. این میل به مردمی کردن می‌کوشد تا  
برای گروه‌های دریند نیز جایی در تاریخ بیابد، لذا کتابها، سواد و  
خواندنیهای آنان را در سنت ادبی وارد می‌کند. در نتیجه با مورد  
توجه قرار دادن آثار پیش‌یا افتاده و مبتذل، ارزش «آثار بزرگ» را  
کم و نسبی جلوه می‌دهد.

منظور از آثار پیش‌یا افتاده و مبتذل، آنچه کتاب نیست و ضد  
کتاب است، در این نوشته، فرهنگ و دانش «مشابه» است. تعریف  
غرور آفرین «تکنولوژی دانش» همیشه بر قامت کتاب استوار  
بوده است و تا این اواخر که به شکوه کتاب پایان داده شد، همواره  
سرود کهنه «دانش و قدرت یکی است» را سر می‌دادیم. ولی، تا  
این اواخر هرگز معنی دقیق این عبارت را درک نکرده بودیم.  
مفهوم «دانش و قدرت یکی است» در دوران تاریخی خاصی رواج  
یافت که در آن دانش در برابر جهالت، خرافات و سنت قدر  
برافراشته بود. نیروی دانش، و به تبع آن کتاب، می‌بایست پرده از  
رخسار جهالت بردارد و آدمی را مسلح به سلاح حقیقت که آزادی  
را نوید می‌داد بنماید. افسوس که دیگر چنین نظریه ارضاء‌کننده و  
فریب‌دهنده‌ای میسر نیست. اگر دانش همان قدرت است، به  
خاطر این است که موفقیت ما را در امور دنیوی تضمین می‌کند.  
ولی بسیاری از امور دنیوی در عصر کتاب، در واقع تمرین تسلط و  
فایق آمدن بر نیروی طبیعت، و زنان و مردان و فرهنگها و  
اجتماعها بوده است. دانش، به اختصار، قالبی است که قدرت از  
درون آن به تنفیذ منظور خود در جهان می‌پردازد. بنابراین قدرت  
همه جا هست و آمیخته است با پیشرفت تکنولوژی و قدرت ملی،  
دولتی و طبقاتی - قدرتهای سلطه‌جو.

برای مقابله و رقابت با دستنوشته قرون وسطایی، تولید کتاب برای این، کتاب چاپی در مرحله اول عامل تداوم فرهنگ قرون وسطایی بود نه عامل فروپاشی آن.

مطلب دوم در مورد فرآیندی است که ماشین چاپ را با سده فرهنگ اجتماع آن زمان پیوند داد، فرهنگی که در نتیجه آموزش مبتنی بر حافظه و ارتباط شنیداری، کلام و کتابت را استثمار کرد از این گفته، سرانجام، چنین استنباط می شود که کتاب تنها پرتو شیوه هایی که آن را با قدرت پیوند داد و سپس خود، قدرت طبیعت و سنت شفاهی را به شکلی دیگر درآورد، قابل تعریف است.<sup>۱</sup>

مطلب سوم، در جهت عکس این تقسیم تاریخی، کتاب و چاپ را در ارتباط با ظهور کامپیوتر مورد بررسی قرار می دهد. کامپیوتر عامل تداوم و گسترش مرحله خاصی از تاریخ چاپ و سواد است. فزونی بیش از حد اطلاعات که مولود آمیزش حروف و ماشا بود، نیاز به مکانیزه شدن بیشتر - یا به زبانی دیگر يك شش الکتریکی - را برای تولید، ذخیره و انتقال اطلاعات، ایجاد کرد چنانکه منشاء چاپ در قرون وسطی و در سنت شفاهی است. غایت آن در کامپیوتر است. کتاب را تنها از لابه لای روال پیچیده اش با مهارتها و پدیده های صنعتی قبل و بعد از آن می توان شناخت.<sup>۲</sup>

مطلب چهارم توجه ما را از کتاب به سوی عملکرد تثبیت شش اجتماعی سواد جلب می کند. تحقیق در این زمینه به طبع حیرت انگیزی انبوه و پیچیده شده است.<sup>۳</sup> این تمایل شدید استفاده و عملکرد سواد، نتایج اجتماعی، اثر و موقعیت کتاب بی نهایت بغرنج کرده است. امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که عملکرد سواد هدف ثابتی را دنبال نمی کند. استفاده از سواد گروه های اجتماعی عملی متغیر است و همیشه نیز همین طور بوده است. از این گذشته این عملکرد در درون هر گروه نیز متغیر است، چنانکه استفاده از سواد برای طبقه متوسط دوران معاصر همانند طبقه متوسط اوایل قرن نوزدهم نیست. تحقیقات نیز، همین منوال، توجه خود را معطوف به این انتقال و ماهیت متغیر سواد و پیوند آن با فرآیندهای دیگر اجتماعی کرده است. از این تغییر و تحول يك نتیجه مهم عاید می شود: سواد دیگر به منزله خرد مرزی اجتماعی و روشنفکری تاریخ جدید به حساب نمی آید. سواد از بطن بی سواد و کم سواد، همان گونه ظهور کرد بریتانیای مدرن از انگلستان قدیم: آهسته، به تدریج و ناهماهنگ و همیشه و همه جا به موازات دیگر تحولات کند و نااستوار. طرفی این تصور که شیوه تفکر با سودا و بی سواد از نظر کیفیت باهم مغایر است و پختگی آن دیگری مرهون کتاب است، دیدی مانند قدیم قبول عام ندارد.<sup>۴</sup> فاصله بین قدیم و جدید، بشر اولیاد

تا اینجا صرفاً به این مطلب پرداختم که آنچه تاکنون از تاریخ کتاب و ارتباط آن با جامعه عاید شده بود، کلاً بر باد رفته است. حماسه کهنه آزادمنشانه رشد اجتماعی که در آن بالهای آموزش و کار از میان شیرازه کتاب به پرواز درمی آید، دیگر داستان قابل نقلی نیست. از طرفی به حکایت دیگری اشاره کرده ام، حکایتی که پیرامون قدرت دور می زند. در این حکایت، کتاب در درجه اول بخشی از فرآیند اجتماعی را می سازد که توسط آن ساختهای قدرت به ساختهای فرهنگ منتقل می شوند.

اکنون با تردید عمیقی نسبت به تجدید نظر در تصور امروزی ما از رابطه کتاب و اجتماع می نگریم، گرچه که جای بحث آن فعلاً در این مقاله نیست. از طرفی اختلاف نظر من با «مارشال مک لوهان»، که آغازگر بیشتر تحقیقات کنونی درباره کتاب بود، در این است که او توجه کافی به مسأله ایدئولوژی، قدرت و طبقه نکرد، و نسبت به تجزیه و تحلیل خود از تأثیر تکنولوژی ارتباطات بسیار خوشبین بود.<sup>۵</sup> بی تردید این نقص امروز بر طرف شده است، منتهی یادآور مصداق ضرب المثل گونه ای است که می گوید: «در مورد آرزوهای جوانیت محتاط باش چرا که در پیری برآورده خواهد شد».

البته لازم بود هم روایت سنتی کتاب و هم بحث به ظاهر ارضا کننده «مک لوهان» از اثر تکنولوژی ارتباط، بدین وسیله تصحیح شود. اکنون بجاست که با استفاده از زمینه های خاص دیگری که در پرتو تحقیقات معاصر درباره کتاب روشن شده است، به تصحیح اصلاحات قبلی بپردازیم. لذا در اینجا تنها به ذکر معدودی از این زمینه ها می پردازیم تا همراه با پاره ای از مباحثی که قبلاً ذکر شد، تصویر صحیح و کاملی از مسأله ارتباط کتاب و جامعه به دست آوریم.

اولین مطلب، قبول این حقیقت است که کتاب قبل از اینکه اولین اختراع دنیای جدید باشد، اوج فرهنگ قرون وسطی بود. کتاب غایت و نیاز دنیای قرون وسطی را نشان می داد.<sup>۶</sup> دنیایی که می خواست به تولید سواد در عین حال مقدس، اداری (بوروکراتیک) و فاضلانه بپردازد. نوشتن در قرون وسطی از اهمیت خارق العاده ای برخوردار بود، و چاپ حاصل جستجو برای یافتن شیوه ای بود که بتواند حروف الفبا را به مقدار کافی

کتاب همراه با مسأله ارتباط (communication)، نه تنها نقش آن را نسبت به فرآیندهای قدرت و سیاست روشن می‌کند، بلکه با روشنی بیشتری اهمیت چگونگی تبدیل میراث غنی و بالنده سنت دستنویس و ارتباط شفاهی را به صورت تجدید سازمان یافته امروزی باز می‌نماید.

\* این نوشته ترجمه‌ای است از مقاله The Paradox of the Book که در مجله *Library Trends* (شماره پاییز ۱۹۸۴، ص ۱۰۳-۱۱۳) به چاپ رسیده است. نویسنده (James W. Carey) رئیس دانشکده ارتباطات دانشگاه ایلینوی است.

1) For a convenient collection of recent work, see: Graff, Harvey J., *Literacy and Social Development in the West*. Cambridge, Eng.: Cambridge University Press, 1981.

2) Darnton, Robert, «What is the History of Books?» *Daedalus* 117 (Summer 1982): 65.

3) The work is as yet unpublished but was presented at the Annenberg Scholars Conference on Literacy, University of Southern California, Feb. 1984.

4) For the development of these themes see Graff, *Literacy and Social Development*; Eigenstein, Elizabeth. *The Printing Press as an Agent of Change: Communications and Cultural Transformations in Early Modern Europe*, 2 vols. Cambridge, Eng.: Cambridge University Press, 1979; and Goody, Jack ed. *Literacy in Traditional Societies*. Cambridge, Eng.: Cambridge University Press, 1968

5) Williams, Raymond. *Culture and Society, 1780-1950*. New York: Harper and Row, 1966.

6) Darnton, «What is the History of the Book?», p. 66.

7) Carey, James W. «Harold Adams Innis and Marshall McLuhan.» *Antioch Review* 27 (Spring 1967): 5-37.

8) Clanchy, M. T. «Looking Back from the Invention of Printing.» *Quarterly Journal of the Library of Congress* 39 (Summer 1982): 168-83.

9) Furet, Francois, and Ozouf, Jacques. *Reading and Writing: Literacy in France from Calvin to Jules Ferry*. Cambridge, Eng.: Cambridge University Press. 1982.

10) Bolter, J. David. *Turin's Man: Western Culture in the Computer Age*. Chapel Hill: University of North Carolina Press. 1984.

11) Graff, Harvey J. *Literacy in History: An Interdisciplinary Research Bibliography*. Chicago: Newberry Library, 1979.

12) Scribner, Sylvia, and Cole, Michael. *The Psychology of Literacy*. Cambridge, Mass.: Harvard University Press, 1981.

13) Darnton, Robert. *The Great Cat Massacre and Other Episodes in French Culture History*. New York: Basic Books, 1984, p. 249.

14) Furet, and Ozouf, *Reading and Writing*, p. 304.

15) Hall, David D. «Introduction: The Uses of Literacy in New England, 1600-1850.» in *Printing and Society in Early America*, edited by William L. Joyce et al. Worcester, Mass.: American Antiquarian Society, 1983, pp.1-47

16) Darnton «What is the History of Books?», p. 78.

17) *Ibid.*, p. 67.

شنفکر متمدن، بسیار تنگ شده است. ضمناً به نظر می‌رسد که اوایل قرن نوزدهم در مفهوم سواد تحولی اساسی به وجود آمد، چه که شناخت این تحول به مراتب مهمتر از تعیین تاریخ آن است. بهترین معنی سنتی سواد را «روسو» ارائه داده است: طالب کتاب باید آن چنان خوب جذب شود که زندگی آدمی را بگیرد. سواد در زمان قدیم متضمن خواندن و چندبار خواندن اد معهودی متن بود به نحوی که در خاطر بماند و با شخصیت دیکری شود. در قرن نوزدهم، الگوی سنتی سواد در هم فروخت و جای خود را به فرآیند اطلاعاتی داد و در نتیجه گسترده و وع خواندن باب روز شد. «رابرت دارنتون» همین مطلب را در عنوان سطحی و عمیق خواندن مطرح می‌کند.<sup>۱۳</sup> انسوافوره (Francois Furet) و ژاک ازوف (Jacques Ozouf) تغییر معنی را بیشتر با شیوع نوشتن مرتبط می‌دانند تا راندن، و آن را با موفقیت فرد برای تعبیه «جایی محرمانه و آزاد» ای خود، و نیز با رونق بازار اقتصادی و موقعیت دنیوی، پیوند دهند.<sup>۱۴</sup> به هر حال این تغییر و تحول به وجود می‌آمد، و مان‌گاه که خواندن و نوشتن از سنت شفاهی جدا شد، و مواد ایی ارزان و فراوان در دسترس همگان قرار گرفت تداوم یخی سواد نیز شکسته شد.<sup>۱۵</sup>

آخرین و موجزترین زمینه تحقیق دوران معاصر در مورد اب، جذب این پدیده صنعتی در دایره فعالیت‌های متقابل است. اب اکنون به منزله بخشی از یک فعالیت محسوب می‌شود: «و بیر معنی در واقع درون یک نظام ارتباطی حادث می‌شود نه در یک جموعه نوشتاری»<sup>۱۶</sup>. دایره فعالیت‌های متقابل «از نویسنده روح می‌شود و به ناشر، چاپخانه، حمل و توزیع، کتاب فروش و واننده خاتمه می‌یابد»<sup>۱۷</sup>. این البته با مختصر تغییری، همان یره‌ای است که همه روابط ارتباطی را دربرمی‌گیرد. قرار دادن ناب در بستر ارتباطات، کتاب را به شیئی پیش یا افتاده و بی وقار دل می‌کند و رنگ اسرارآمیز آن را می‌زداید. از طرفی، پیوند ناب با تکنولوژی ارتباط سهولت دسترسی به کتاب را برای ما و ندگانمان تأمین کرده است. این امر همچنین کتاب را همتای ایر رسانه‌ها - مثل روزنامه و مجله - قرار می‌دهد. رسانه‌هایی که قبیل کتاب و تحت تأثیر آن به وجود آمدند. سرانجام، بررسی